

# جایگاه و اهمیت شوراها در شرایط حاضر

پرسش از حمید تقوایی

صفحه ۳

## بازتاب هفته

پدوواتیکان مقدس! - شهاب بهرامی

جن گیری وزارت اطلاعات - کیوان جاوید

مافیای ارزی حکومتی و بازار ثانویه - محمد شکوهی

صفحه ۴

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

## جنگ و صلح در افغانستان

سیامک بهاری

صفحه ۶

## شما هم کمونیست هستید!

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

## دهمین روز اعتراضات گسترده

## کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۱۰

## جلسه سخنرانی یکی از سردمداران کشتار

## دانشگاهها در ونکوور لغو شد!

صفحه ۱۰

## یازدهمین روز اعتراضات قدرتمند کارگران گروه

## ملی فولاد اهواز، تجمع اعتراضی بازنشستگان در

## تهران و اعتراضات سراسری کارگران راه آهن

صفحه ۹

## تجمع مردم معترض به جان باختن عزیزانشان و

## آتش سوزی جنگلهای مریوان

صفحه ۹



# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۷۹

جمعه ۹ شهریور ۱۳۹۶، ۳۱ اوت ۲۰۱۸

## در باره اعتراض گسترده مردم مریوان

## شوراهای هماهنگی اعتراضات را برپا کنیم!

## نسان نودینیان

در چند روز گذشته (از اواخر مرداد تا سوم شهریور ماه ۹۷) مردم شهر مریوان جلوه های شکوهمند و رادیکال اعتراض به حکومت اسلامی را تجربه کردند.

اعتراضات مردم شهر مریوان بر بستر شرایط سیاسی و اعتراضی در سطح سراسری قابل درک و تعمیم است. دنیا از ۷ دی ۱۳۹۶ اعتراضات کوبنده مردم در بیش از ۱۰۰ شهر در ایران را دید. صدها صحنه زنده از اعتراضات توده ای مردم علیه بیکاری، گرانی، فقر و فساد حاکمان حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی در اشکال زدو خورد، رو در رویی و جنگ مردم عاصی علیه نظام حاکم در خیابانها دیده شد! چشمهای مردم اینبار به میلیونها نفر از ساکنین زن و مرد معترض در ایران دوخته شده.

از دی ماه ۹۶ تاکنون شهرها در سطح سراسری در اعتراض دائمی قرار گرفته اند. زنجیره ای از اعتراضات کوبنده در ده ها شهر دامنه اعتراضات را وسیع و گسترده کرده است. آرزوهای مردم رنجیده و سرکوب شده اینبار تبدیل به امید به سرنوشتی جنایتکارترین رژیم فاشیست اسلامی شد! آرزوی های شیرین مردم در جامعه با صدای اعتراضات کوبنده و مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای به منازل مردم، بخوابان و در قلب میلیون ها نفر نشست! در شهرهای کردستان مریوان، بانه، سقز، جوانرود، سنندج و... در یکسال گذشته ما اعتراضات توده ای علیه بیکاری، نا امنی جاده ها، علیه تردد تانکرهای سنگین، علیه جنگل خواری و آتش زدن جنگلها، علیه اعدام و دستگیری را تجربه



## در باره اعتراض گسترده مردم مریوان

از صفحه ۱



وسیعی از فعالین اجتماعی و بویژه فعالین انجمن های زیست محیطی و فعالین کارگری و معلمان تاثیرات مهمی در این اعتراضات داشته اند.

نهادهای مردمی و انجمن های زیست محیطی، شخصیت‌های شناخته شده در کردستان و بویژه در مریوان نقطه قدرت مهم جنبش اعتراضی و نقطه قدرت خواستهای ماگزیمالیستی و تعرضی هستند. حکومت اسلامی همواره از شیوه های گوناگون سرکوب و اقدامات تروریستی و دستگیری در تلاش بوده تا فعالیت‌های این سنگر مهم اجتماعی را محدود، کند. هوشیاری بالا و دفاع از این دستاورد مهم اجتماعی - مبارزاتی در شرایط کنونی مهم هستند.

و در هر قدم، با پیشروی و برپایی هر اعتراض و تظاهراتی، بالاخره این سوال مطرح میشود که چه باید کرد! مسیرهای پیشروی بیشتر و قدرتمندتر را چگونه باید تعریف کرد! جواب خیلی سراسر و شفاف است! بر بستر شرایط سیاسی کنونی یکی از مبرمترین اقدامات تلاش آگاهانه برای ایجاد تشکل های مردمی در شکل شوراهای اعتراضی یا شورای های مردمی در محلات و شهرها است.

خلع سلاح نهایی و ساقط کردن قدرت حکومت اسلامی در گرو سازمانیابی توده ای مردم است. زمینه های عینی برای اقدام مستقیم مردم فراهم است. ۵ شهریور ۱۳۹۷، ۲۷ آگوست ۲۰۱۸

توسط توپ باران سیاه انجام شده، دامنه اعتراض و تظاهرات را علیه حکومت اسلامی وسیعتر کرد. با پخش خبر جانباختن ۴ نفر از فعالین زیست محیطی و کارمندان منابع طبیعی، جمعیت وسیعی در شهر مریوان دست به تظاهرات زدند. در ۴ شهریور در مراسم گرامیداشت شریف باجور جمعیت وسیعی از شهرهای کردستان و در سطح سراسری، بویژه از مناطق زلزله زده شهر و روستاهای تویسرکان و کرمانشاه، فعالین مدنی و فعالین محیط زیست، فعالین کارگری شرکت کردند. در مراسم خیابانی شهر مریوان شعارهای رادیکال آنها برای نان، کار آزادی و علیه استثمار و سرکوبگری حکومت اسلامی و در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی، جلوه هایی نوینی از اعتراض بحکومت اسلامی را مردم تجربه کردند.

در میان جان باختگان آتش سوزی ۳ شهریور شریف باجور از فعالان شناخته شده محیط زیستی و از اعضای هیئت مدیره انجمن سبز چیا جان خود را از دست داد. شریف باجور بارها در ارتباط با فعالیت‌ها و اقدامات محیط زیستی خود مورد بازداشت و بازجویی توسط نهادهای امنیتی قرار گرفته بود. شریف باجور با انجام یک اقدام ابتکاری درست یکسال قبل در شهریورماه ۱۳۹۶ از مریوان تا تهران بیش از ۶۰۰ کیلومتر دوچرخه سواری را در حمایت از کولبران رکاب زد. این اقدام ابتکاری او مورد توجه تعداد زیادی از فعالین محیط زیست و مردم را به جنبش مردمی طرفداری از ارزشهای محیط زیست جلب کرد.

در شهرهای کردستان، تحرك های اعتراضی و تظاهراتی مبارزاتی بدلیل حضور گسترده نهادهای مردمی، انجمن های زیست محیطی و طیف بسیار گسترده فعالین کارگری، زنان و معلمان با اوج گرفتن اعتراضات، توده ای و رادیکال است. بی دلیل نیست که در مراسم گرامیداشت شریف باجور ده ها نفر از فعالین و مردم زلزله زده، طیف های وسیعی از فعالین کارگری و کودکان و فعالین زیست محیطی به صف تظاهرات و مبارزه اعتراضی در ۴ شهریور ماه می پیوندند. در جریان اعتراضات دو سال قبل به جاده های نا امن طیف

کرده ایم. ما شاهد برگزاری چندین تظاهرات خیابانی و مارشهای توده ای کارگران بیکار بوده ایم. ما یکی از بزرگترین و طولانی ترین اعتصابات توده ای در شهرهای بانه، جوانرود، مریوان، سردشت و پیرانشهر را تجربه کردیم. ما دیدیم که اعتصاب نهادهای حکومتی را فلج کرد، مزدوران بیست رهبری و فرماندهان حکومت اسلامی در مقابل دادخواهی و حق طلبی کارگران بیکار زانو زدند. ما در ۲۹ مرداد اعتراضات خیابانی مردم شهر مریوان را تجربه کردیم که متحدانه جمعیت زیادی از مردم به ویژه زنان و جوانان مریوان به ساختمان شهرداری حمله کردند و درب آنرا به آتش کشیدند. جوانان مریوان شعار می دادند: شهرداری لعنتی تا کی بی مسئولیتی. جوانان خشمگین و به ویژه زنان شعار می دادند: مسئولین بی غیرت، استعفا استعفا. مردم معترض تعداد زیادی از زباله ها را به نشانه اعتراض در مقابل فرمانداری این شهر آتش زدند. بحران زباله در مریوان با اعتراضات گسترده مردم به بحران حاکمیت و نهادهای حکومتی تبدیل شد.

شهر مریوان هنوز در تب و تاب اعتراضات به بحران زباله (اعتراض به جمع آوری نکردن زباله ها) بودند، که حادثه دلخراش آتش سوزی در روز ۳ شهریور در اطراف مریوان و روستاهای "سله سی" و "پيله" وقوع پیوست. جمعی از مردم محلی، فعالان زیست محیطی در کنار جنگلبانان برای مهار آتش سوزی تلاشهای فداکارانه ای را انجام دادند. چهار نفر از فعالان زیست محیطی مریوان هم در جریان تلاش برای خاموش کردن آتش سوزی جنگل جان خود را از دست داده اند و تعدادی نیز مصدوم شدند. در این حادثه دلخراش ۴ نفر (۱- شریف باجور ۲- امید کهنه پوشی ۳- محمد پژوهی ۴- رحمت حکیمی نیا) جان خود را از دست دادند. شریف باجور یکی از فعالین شناخته شده محیط زیست بود. کشته شدن این ۴ نفر بویژه طبق اطلاعاتی منتشر شده که آتش سوزی جنگلهای روستاهای "سله سی" و "پيله"

## سندج سرخ در گرامیداشت یاد جانباختگان فاجعه آتش سوزی مریوان

سرنگون باد حکومت اسلامی  
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری  
۹ شهریور ۹۷، ۳۱ اوت ۲۰۱۸

اتحاد و همبستگی گسترده تر  
جنبشهای اعتراض اجتماعی و امر  
سازمانیابی شوراهای مردم برای  
حرکتهای بعلی تاکید میکند.

وضع جهانی موجود و در حمایت از  
مبارزات و اعتراضات مردم مریوان  
و مردم سراسر کشور را نشان داد.  
فعالین و سازماندهندگان این حرکت  
پرشور و همبسته توانستند با درایت  
بالایی صدای حق خواهی جامعه در  
دفاع از آرمان و آرزوهای انسانی را با  
فریاد رسا و بلند به گوش حاکمان  
برسانند.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری به فعالین محیط زیست،  
کوهنوردان، فعالین کارگری و مردم  
مبارز شهر سندج درود میفرستد و  
ضمن قدردانی از تلاش و زحمات  
آنان در برگزاری این حرکت بجا و  
شایسته، بر ضرورت هر چه بیشتر

پلاکاردهایی در همبستگی با  
خانواده جانباختگان، در حمایت از  
محیط زیست سالم و با شعارهای  
دیگری یاد عزیزان جانباخته آتش  
سوزی مریوان را گرامی داشتند. در  
این مراسم تنی چند از فعالین زیست  
محیطی، کوهنوردان و فعالین  
عرصه های دیگر به ایراد سخنرانی و  
سرودن شعر پرداختند. علاوه بر این  
حرکت در مناطقی دیگر از شهر  
سندج مراسمهای گرامیداشت  
شریف باجور و یارانش در سالن  
هایی برگزار گردید.

همانطوریکه انتظار میرفت  
اینبار نیز سندج سرخ همچون  
همیشه رسالت خود در اعتراض به

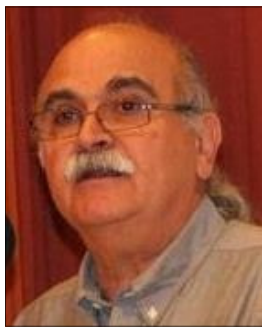
بنا به فراخوان فعالین زیست  
محیطی و جمعی از کوهنوردان روز  
جمعه ۹ شهریور ۹۷ فعالین محیط  
زیست، فعالین کارگری و جمعی از  
مردم مبارز سندج، در گرامیداشت  
یاد شریف باجور و امید کهنه پوشی  
از اعضای فعال انجمن سبز چیا و دو  
تن از کارمندان اداره منابع طبیعی  
مریوان، رحمت حکیمی نیا و محمد  
پژوهی مراسمی را در "گویزه کویر"  
برقرار کردند.

ابتدا شرکت کنندگان از ساعت  
۷ صبح روز جمعه در پارک کودک  
شهر سندج تجمع کرده و تا "گویزه  
کویر" راهپیمایی کردند. جمعیت  
حاضر در محل با در دست داشتن



## جایگاه و اهمیت شوراها در شرایط حاضر

### پرسش از حمید تقوایی



کارگران که از "شوراهای مردمی" سخن میگویند بر اهمیت نقشی که جنبش کارگری میتواند در این زمینه ایفا کند واقف هستند.

انقلابی برای بزیر کشیدن حکومت سازماندهی آن را در دستور گذاشت.

خلیل کیوان: اشاره کردید رهبران کارگری، هم از شوراهای کارگری و هم از شوراهای مردمی صحبت میکنند. چه رابطه‌ای بین این دو هست؟ آیا زمینه شکل گیری شوراها در بخشهای دیگر جامعه هم وجود دارد؟

حمید تقوایی: در شرایط انقلابی شوراها نه تنها در جنبش کارگری بلکه در سطح جامعه مطلوبیت توده‌ای و عمومی پیدا میکنند. آخرین نمونه شکل‌گیری وسیع شوراها در انقلاب ۵۷ بود. به نظر من علت این امر رویگردانی توده مردم از "بالائی‌ها"، از اتوریته مافوق مردم و اتکا بقدرت خود در شرایط انقلابی است. روی آوری جامعه به شوراها و یا تشکلهای نوع شورائی ناشی از ثنوری و یا استراتژی سیاسی احزاب و نیروهای سیاسی نیست، بلکه در شرایط عینی جامعه‌ای که برای زیر و رو کردن وضع موجود پیا خاسته ریشه دارد. هم در تجربه کمون پاریس، هم در تجربه انقلاب اکتبر و انقلاب ۵۷ ایران، و این اواخر در تجربه جنبش اشغال- که گرچه به انقلاب منجر نشد اما اساس آن بجالش کشیدن قدرت يك درصدیهای حاکم بود- ما شاهد شکل‌گیری تشکلهای نوع شورائی بوده ایم و وجه مشترک این تحولات، علیرغم تفاوت‌های اساسی شان با یکدیگر، بزیر سؤال بردن قدرت مافوق مردم و ماشین دولتی است. در شرایط حاضر ایران هم توده مردم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم به خیابان آمده اند در تجربه خود بیش از پیش در می یابند که برای رسیدن به این هدف باید متحد و متشکل شد و شورا مناسب ترین شکل تشکیلاتی برای سازماندهی این مبارزه است. از این زاویه باید به شوراها بعنوان شکل سازمانی جنبش سرنگونی نگریست و به منظور تقویت و پیشبرد جنبش

تاکید رهبران کارگری گروه ملی اهواز و هفت تپه بر ضرورت تشکیل شوراهای مستقل کارگری و مردمی در تجمع کارگران این دو مجتمع بازتاب گسترده ای در مطبوعات و مدیای اجتماعی داشت و مورد توجه وسیع قرار گرفت. در این رابطه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

خلیل کیوان: چرا سخنان این دو رهبر کارگری و تاکید بر ضرورت تشکیل شوراها در این شرایط چنین بازتاب گسترده‌ای را در پی داشته است؟

حمید تقوایی: بخاطر اینکه شرایط امروز بیش از هر زمان دیگر تشکیل شوراها را ضروری کرده است. نمایندگان و پیشروان جنبش کارگری با تاکید بر شوراهای مستقل کارگری و شوراهای مردمی در واقع به این ضرورت پاسخ میدهند.

در پایه این ترین سطح ضرورت تشکیل شوراها از ناتوانی و استیصال کامل حکومت در پاسخگویی به ابتدائی ترین نیازهای توده مردم نشات میگیرد. درماندگی و بن بست و بی افقی حکومت، که امروز حتی خود مقامات هم به آن معترف هستند، برای توده مردم عملاً راهی بجز دست زدن به عمل مستقیم و اعمال ارده برای حل مشکلاتی که روز بروز غیر قابل تحمل تر میشود باقی نمیگذارد. حکومت نه تنها از حل مسائل عاجل مردم که به بقای جامعه مربوط میشود عاجز است بلکه چشم اندازی هم برای حل و یا تخفیف این مسائل ندارد. این وضعیت نه تنها بطور عینی توده مردم را به این سمت میراند که برای حل و فصل امور عاجلشان خود دست بکار بشوند، بلکه در يك سطح پایه ای مردم را به این نتیجه میرساند که دولت مافوق مردم زانده ای است که میتواند بریده بشود و بدور انداخته بشود. این وضعیت اساس و کنه و مبنای طرح گفتمان "شوراهای مستقل

حکومت چه نقشی را می توانند بعهده داشته باشند؟ حمید تقوایی: شوراها تا قبل از سرنگونی حکومت اساساً از دو جنبه ای که بالاتر اشاره کردم، یعنی هم بعنوان ارگان دخالت مستقیم مردم برای پاسخگویی به مسائل عاجل خود و هم بعنوان اهرمهای مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت ضرورت پیدا میکنند. و هر دو این جنبه ها، که بنوبه خود از ناتوانی و بن بست کامل حکومت ناشی میشود، مختص شرایط انقلابی و متضمن دخالتگری و عمل مستقیم توده مردم در روند جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت است.

بعد از سرنگونی حکومت شوراها ارکان و سنگ بنای حکومتی هستند که ما کمونیستها خواهان آن هستیم. شوراهای حکومتی از نظر نقش و وظیفه و عملکردشان با شوراهای مبارزاتی متفاوت اند اما وجه مشترک هر دو، که باعث میشود نام مشترکی داشته باشند، اعمال اراده مستقیم مردم متشکل در شوراهاست. قبل از سرنگونی حکومت این اعمال اراده بر متن جنبش سرنگونی و برای بزیر کشیدن حکومت صورت میگیرد و بعد از سرنگونی برای حکومت کردن و اداره جامعه، شورا در هر دو این ظرفیتهای حتی اگر در سطح گسترده ای در کل جامعه تشکیل بشود و بخشهای مختلف مردم را در بر بگیرد، مهر طبقه کارگر را بر خود دارد. طبقه کارگر در حفظ هیچ نهاد و گوشه ای از سیستم حکومتی حاضر هیچ منفعتی ندارد و خواهان در هم شکستن کل ماشین دولتی مافوق مردم است. بهمین دلیل سازماندادن شورائی انقلاب و مبارزه برای خلع ید از طبقه حاکمه و همچنین برای اعمال قدرت و اراده

خلیل کیوان: آیا در توازن قوای کنونی تشکیل شوراهای کارگری و مردمی در سطح گسترده ممکن است؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتیم در وضعیت حاضر شرایط سیاسی و اجتماعی مساعدی برای شکل‌گیری شوراها وجود دارد. رژیم با يك بحران عمیق سیاسی و بن بست و فروپاشی کامل اقتصادی روبروست و افق و چشم اندازی هم برای رفع و یا حتی تخفیف این وضعیت ندارد. از سوی دیگر توده مردم عزم جزم کرده اند که از شر حکومت اسلامی خلاص بشوند. مردم در شعارهایشان اعلام کرده اند بازی اصلاح طلب اصولگرا به آخر رسیده است، جواب هوچی گریهای ضد آمریکائی حکومت را با فریاد "دشمن ما همین جاست" داده اند و صریحاً اعلام کرده اند جمهوری اسلامی را نمیخواهند. این شرایط ایجاد تشکلهای توده ای نوع شورا را نه تنها مطلوب و ضروری بلکه همچنین امکانپذیر میکند. اما اینکه عملاً شوراها در چه سطحی تشکیل خواهند شد تماماً به عملکرد نیروهای چپ و انقلابی نظیر حزب ما و فعال شدن پیشروان و فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای حق طلبانه بستگی دارد. حزب ما همواره مبشر و مبلغ شوراها بوده است و بویژه در شرایط حاضر با تمام توان میکوشد به جنبش شورائی دامن بزند و شوراها در سطح هر چه وسیعتری در میان کارگران و در میان توده مردمی که برای تغییر وضع موجود پیا خاسته اند تشکیل بشود.

خلیل کیوان: در شرایطی که جمهوری اسلامی هنوز روی کار است شوراها چه نقشی می توانند داشته باشند؟ بعد از سرنگونی



## جن گیری وزارت اطلاعات

### کیوان جاوید

نظر سیاسی رفته است و کسانی از درون خودشان تابوت این مرده را بر دوش می کشند.

در اعتراضات دی ماه ۹۶ سوت پایان کار جمهوری اسلامی از طرف مردم جان به لب رسیده به صدا در آمد. در این شرایط سیاسی همه جناح های جمهوری اسلامی به روشنی دریافته اند که دیگر نمی شود وعده سر خرمن داد و مردم را به سرایی امیدوار کرد. در این شرایط که اعتراض و اعتصاب از هر منفذ جامعه می جوشد، جمهوری اسلامی تنها يك راه برای ادامه بقاء در چشم انداز می بیند. حکومت وحشت. حکومت ترور و حکومت فیل هوا کردن که دستگیر می کنیم و جاسوس می گیریم و اینکه: «بخش ضدجاسوسی وزارت اطلاعات یکی از قدرتمندترین سرویس های اطلاعاتی این کشور است.»

چنین ادعایی البته کسی را نمی ترساند، باعث مخفی شدن فعالین و رهبران جنبش های کارگری و اعتراضات اجتماعی نمی شود. زندانیان سیاسی را وادار به خاموشی نمی کند و زنان را به کنج خانه نمی راند. این ادعاهای پوچ فقط به مردم می گوید سران و جناح های رژیم به جان هم افتاده اند و صفوفشان متشتت تر و پراکنده تر شده است و برای همدیگر هم خط و نشان می کشند روحانی را بر حذر می دارند که مواظب باشد به سرنوشت رفسنجانی دچار نشود.

داستان مسخره دستگیری ده ها جاسوس، نمایشی شیرین از بجان هم افتادن جناح های درونی رژیم است. این فرصت تاریخی وارد کردن ضربه نهایی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

ارز دولتی از ۳۸۰۰ تا ۴۲۰۰ را با قیمت دلار ۸۰۰۰ هزار تومانی در «بازار ارز ثانویه» يك درآمد سرسام آور نجومی که به گزارش این روزنامه تا پایان سال ۹۷ بالغ بر ۱۶۰ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

در واقع دولت و بانک مرکزی يك بازار پرسود ارز با قیمت های

صفحه ۷

روز چهارشنبه وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی مدعی شده است که سرویس های امنیتی دهها جاسوس را دستگیر کرده اند. او می گوید: «بخش ضدجاسوسی وزارت اطلاعات یکی از قدرتمندترین سرویس های اطلاعاتی این کشور است.»

پشت پرده این ادعا و دستگیری دهها جاسوس نفوذی در دستگاه های اجرایی چه رازی نهفته است؟ این دهها جاسوس بی نام و نشان چه افرادی هستند. چه وقت و کجا دستگیر شده اند؟ وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیازی نمی بیند به این پرسش ها پاسخ بدهد.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی در يك باتلاق و بحران اقتصادی نفس گیر و مزمن اسیر شده است. راه فراری از این گرداب ندارد. محاصره اقتصادی و تحریم صنایع ماشین سازی و پتروشیمی و صنعت نفت و فرار کمپانی های اروپایی از ایران ضربه سهمگین تری به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد کرده است، اقتصادی که همه می دانند حتی در دوره برو بیای برجام نفس های آخرش را می کشید.

در این وضعیت اقتصاد بحرانی، جامعه يك پارچه علیه تمام باند ها و همه جناح های در قدرت اعلان جنگ سیاسی داده است. می گویند باید بروید. شعار می دهند شما مسبب فقر و فلاکت و ناامنی و سیه روزی جامعه هستید. اینها را فقط در محافل و جمع های خصوصی نمی گویند. در خیابان و کارخانه و دانشگاه بصورت جمعی و در تظاهرات ها و اعتراضات متشکل، رفتن جمهوری اسلامی را فریاد می زنند. جمهوری اسلامی از گران ارزهای خارجی را قبضه کرده و درآمدهای هنگفتی نصیب شان میشود. دولت و بانک مرکزی عرضه کننده ارزهای خارجی به بازار، تعیین کننده قیمت ارزهای خارجی می باشند. لازم به توضیح است دولت با راه اندازی سامانه های «نیم» و «سنا» و شبکه ای که بازار پولی و ارزی حکومت را مدیریت می کنند، بطور کامل

## بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

### پدوواتیکان مقدس!

#### شهاب بهرامی

هنگامی که صد و پانزده کاردینال نر بطرف نماز خانه سیستین در حرکت بودند تا در آن سرمای سوزان مارس، رهبر آینده و مادام العمر واتیکان نرینه سالار را انتخاب کنند، هرگز تصور نمی کردند روزی چون امروز فرا خواهد رسید که جهانیان، این جرثومه های فساد و جنایت را به پای میز محاکمه کشانند. ناگهان همه دوربینهای رسانه های با شرف، بطرف دودکش نمازخانه ای زون شد که قرار است پیام آور رهبری جدید و نوظهور برای نجات دنیای گنبدیده امروز باشد. دودی سفید که از دودکش نماز خانه سیستین بیرون جهید، نشان از انتخاب پاپ جدید، جناب فرانسیس بود.

از همان فردای انتخاب وی صفحات روزنامه ها و مدیای اجتماعی مملو شد از افشای همکاری نزدیک این کاردینال سابق با دیکتاتور نظامی و خونخوار آرژانتین "خورخه رافائل". خورخه رافائل که با کمک سازمان سیا و کلیسای کاتولیک، کودتای خونین سال ۷۶ میلادی را علیه خانم ایزابل پرون سازمان داد و تا سال ۸۱ پیش از سی هزار نفر از فعالین سوسیالیست و کمونیست را کشتار نمود. در همه آن سالهای سیاه، جناب پاپ فرانسیس از دوستان ویژه خورخه رافائل بشمار می رفت. در ایام جوانی نیز ایشان از هواداران و نزدیکان سازمانهای نازیستی در آنجا بود.

امروز اما جناب پاپ فرانسیس باید پاسخگویی هزاران تجاوزی باشد که از طرف کشیشان کاتولیک، این مردان "طوسی" خدا انجام گرفته است. از چهار گوشه جهان صدای قربانیان له شده در اعتراض به این دستگاه عریض و طویل تحمیق و چپاول چنان ظنین انداخته که راه فراری برایشان باقی نمانده است. ایشان ظرف این پنج سال به هر کشوری پا گذاشت اول از قربانیان تجاوز

جنسی مردان کلیسا پوزش خواست، سپس طلب مفرغ برای گناهکاران متجاوز.

همزمان با بازدید پاپ از ایرلند در هفته گذشته، خبر تجاوز سبید کشیش به بیش از یکهزار کودک و نوجوان در ایالت پنسیلوانیا منتشر شد. بدنال آن اسقف "کارلو ماریا ویگانو" یکی از مقامات سابق واتیکان، روز یکشنبه در بیانیه ای یازده صفحه ای اعلام داشت که: پاپ فرانسیس کاملاً از تجاوزات سیستماتیک کشیشها و کاردینالها اطلاع داشته است و به ویژه در مورد اسقف مستعفی آمریکائی "تئودور مک کانی"، من شخصا در پنج سال گذشته پاپ را در جریان این مهم قرار داده ولی ایشان این موضوع را آگاهانه مسکوت گذاشته است. در جواب سئوال خبرنگاران در این مورد پاپ گفت "من هرگز در این مورد سخنی نخواهم گفت".

امروز اما "نقاب از چهره وجود ناسوتی برگرفته شده است"، نیایش در پای تخت ندبه بیش از هر وقت بی اعتبار شده است. کشیش و آخوند و خاخام، این پسر عموهای همزاد، دیری است که از دیدگاه توده های تحمیق شده و تهیدست به درجه انگلی مفتخر گشته اند. همانگونه که مارکس می گوید انسان موجودی انتزاعی نیست که در انتظاری واهی خیمه زده باشد، مبارزه علیه مذهب، مبارزه ای با واسطه علیه آن جهانی است که مذهب رایحه روحانی آن است. از انقلاب کبیر فرانسه تا انقلاب کارگری کمون پاریس، از انقلاب اکتبر تا انقلاب مشروطه و تا به امروز این مبارزه، آشکار و پنهان در جریان بوده است. مدتهاست زنان، کارگران و مردم آزادیخواه ایران برای به فرجام رساندن این جدال عظیم و انسانی پرچمش را به اهتزاز درآورده تا دومین رنسانس بزرگ تاریخ را به سرانجام رسانند.

## مافیای ارزی حکومتی و بازار ثانویه

#### محمد شکوهی

بازار (با فرض دلار ۸۰۰۰ تومانی)، تنها از محل مابه التفاوت دلار ۳۸۰۰ تومانی با دلار ۸۰۰۰ تومانی، تنها تا پایان سال ۹۷ بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد تومان رانت نصیبشان خواهد شد. (یعنی نرخی که تا پیش از این صادرکنندگان مبتنی بر آن دلارهای خود را به ریال تسویه می کردند) با دلار ۸۰۰۰ تومانی، صادرکنندگان غیرنفتی یعنی پسته فروش ها، فرش فروش ها، فولادی ها، پتروشیمی ها، صادرکنندگان مواد خام و... تنها تا پایان سال ۹۷ بیش از ۱۶۰ هزار میلیارد تومان

رانت نصیبشان خواهد شد. این «رانت» که معادل یارانه چهار سال کل مردم ایران است. لازم به توضیح است آنچه که این روزنامه حکومتی از آن به عنوان «رانت» اسم می برد، در عالم واقع درآمدهای هنگفت دولت از قبل فروش ارزهای خارجی بویژه دلار می باشد.

در خبر دیگری هفته گذشته دولت و بانک مرکزی اعلام کردند که صادرکنندگان مابه التفاوت ارزهای حاصل از فروش محصولاتشان را در «بازار ارز ثانویه» باید به خزانه دولت و بانک مرکزی واریز بکنند. حساب کنید مابه التفاوت

۱۶۰ هزار میلیارد تومان درآمد دولت از قبل «بازار ارز ثانویه» تا آخر سال ۱۳۹۷، معادل یارانه چهار سال کل مردم ایران است!

روزنامه فرهیختگان در گزارشی به نقل از يك اقتصاددان حکومتی خبر از «رانت» ۱۶۰ هزار میلیاردی دولت با گران شدن دلار تا پایان سال ۱۳۹۷ داده است. این گزارش میگوید: بررسی آمارهای اقتصادی نشان می دهد پس از راه اندازی بازار ثانویه توسط دولت و به رسمیت شناختن نرخ ارز در این

## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهلا دانشفر

#### دو کانون مهم پیشروی جنبش کارگری

گروه ملی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه دو کانون مهم پیشروی جنبش کارگری است. اعتراضات این کارگران با قدرت اتحاد آنان نزدیک به دو هفته است که در جریان است و قدرتمند به جلو میروند و پیام مهم آنان به جنبش کارگری و کل جامعه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و مردمی است. کارگران در نیشکر هفت تپه شورای خود را تشکیل داده و نمایندگان خود را در تمامی بخش های این مجتمع انتخاب کرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه با قدرت شورای منتخب خود، و حضور فعالشان در میدان، مبارزاتشان را قدرتمند به جلو میبرند. قدرت اعتراضات این کارگران را در ایستادگی قاطع شان در برابر تهدیدات و توطئه گری های صاحبان شرکت و مقامات حکومتی می شود به روشنی دید.

رژیم اسلامی با دست بردن به ابزار سرکوب و تهدید و دستگیری سعی میکند اعتراضات این کارگران را عقب بزند، اما کارگران محکم ایستاده اند. در گروه ملی فولاد اهواز کارگران با شعارهایی چون "نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد"، "می ایستیم، می میریم، حق مونو می گیریم"، و "مرگ بر ستمگر"، و با مارش قدرتمند هر روزه خود در خیابان پاسخ این تهدیدات را میدهند. در نیشکر هفت تپه نیز در پاسخ به تهدید نمایندگانشان به دستگیری از سوی اطلاعات رژیم، کارگران اولتیماتوم دادند که اگر این تهدیدات ادامه یابد، اعتراضشان را به شهر شوش خواهند کشید. همچنین در حالیکه در هنگام شیفت عصر پنجم شهریور ماه اسماعیل بخشی و برخی دیگر از نمایندگان آنها احضار و تهدید به بازداشت شده بودند، کارگران تمامی بخش های این مجتمع کارگری متحد و یکپارچه در روز ششم شهریور دست از کار کشیدند و مثل روزهای قبل در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند، و وقتی اسماعیل بخشی در روز پنجم شهریور به اداره اطلاعات مراجعه

کرد، تمام تاکیدش بر روی تحقق خواسته های کارگران بود. تا اینکه نهایتاً مقرر شد بعد از ظهر روز ششم شهریور جلسه ای با حضور نماینده های کارگران در فرمانداری شوش برگزار گردد و طی توافقاتی که انجام میگیرد بخشنامه ای مبنی بر دادن یک فرصت زمانی به کارفرما جهت تحقق خواسته های کارگران تنظیم و جهت امضا به همه مسئولین استانی به استانداری خوزستان ارسال گردد. این جلسه برگزار شد. ولی تمام هدف فرماندار و مقامات مسئول این بود که با وعده و وعید نمایندگان کارگران را وارد به قبول پایان اعتصاب کنند و خبری هم از تعهدات کارفرما نبود. اما نمایندگان کارگران اعلام کردند که بدون رضایت کارگران زیر بار پذیرش اینگونه وعده ها که بارها بطور شفاهی از سوی عالیترتبه ترین مقامات شهری و استانی داده شده است، نمی روند و جلسه بدون توافق پایان گرفت. بدنبال این ماجرا ها اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه در روزهای هفتم شهریور وارد دوازدهمین روز خود شد. در این روز عدنان عزیزی فرماندار ناگزیر شد که در جمع کارگران حاضر شود و طی سخنانی وعده وعید هایش را از سر گرفت که با هو کردن و خشم کارگران روبرو شد. او از این سخن گفت که وضع اقتصادی کشور وخیم است و کارگران باید با دولت همکاری کنند و به اعتصاب خود پایان دهند. اما کارگران متحدانه با تاکید بر عقد قرار داد یک ساله، پرداخت یکجای همه معوقات و حفظ یکپارچگی شرکت نیشکر هفت تپه و با فریاد اعتصاب ادامه دارد به او اجازه ندادند که به سخنانش ادامه دهد. ایستادگی قاطع کارگران در برابر وعده و وعیدهای پوچ فرماندار و پایان دادن به سخنان او با شعار اعتصاب ادامه دارد، صحنه دیگری از مبارزات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه بود. حرف کارگران هفت تپه اینست که کارگران مسبب خرابی اقتصاد نیستند که قربانی آن شوند. اسماعیل بخشی نماینده کارگران در سخنرانی ای خطاب به کارگران در

این مورد چنین میگوید: "شرایط امروز به دلیل عملکرد طبقه سرمایه دار بوده است. بنابراین دلیلی وجود ندارد تا طبقه کارگر را تحت فشار قرار دهند". اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در روز هشتم شهریور نیز ادامه داشت و کارگران با توجه به بدعهدی های پایان ناپذیر کارفرما و مسئولین شوش در طول دو سال و نیم گذشته، اعلام کرده اند حاضر به پذیرش هیچ وعده و وعیدی نیستند و تا زمان تحقق خواسته های شان دست از اعتصاب نخواهند کشید. خواسته های کارگران هفت تپه قبلاً توسط نمایندگانشان در دوازده مورد اعلام شده است. از جمله خواسته هایی چون تبدیل قراردادهای موقت و پیمانی به دائم، پرداخت کامل طلبهای کارگران و به روز رسانی دستمزدها، پرداخت مرتب بیمه درمانی و سابقه پرسنل، از سرگیری کشت و امنیت شغلی کارگران، توقف فروش زمین های شرکت و شفاف سازی در مورد اختلاس های پشت پرده و بالاخره خروج شرکتهای نوظهور، شرکت باغ جاوید پارس، شرکت دریای نور در راس آنها قرار دارد.

کارگران گروه ملی نیز خواستار پرداخت فوری ۵ ماه حقوق معوقه خود و امنیت شغلی شان هستند و در برابر بیکارسازیها ایستاده اند. ایجاد شورای مستقل کارگران در هفت تپه و جلو آوردن گفتگومان ایجاد شورای مستقل کارگری به عنوان راهی برای اعمال اراده مستقیم و نظارت کارگری، ایستادگی قدرتمند این کارگران در برابر سرکوبگری های حکومت و مارش اعتراض هر روزه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در خیابانهای شهر همه و همه نشانه های بارزی از انعکاس فضای اعتراضی امروز در



بعلاوه یک عرصه مهم مبارزه معلمان اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات بوده است که یک خواست مشخص آنان لغو تمامی احکام امنیتی صادره برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین اجتماعی، آزادی فوری معلمان زندانی همچون محمد حبیبی، اسماعیل عبلی و محمود بهشتی و در همین راستا پایان دادن به احضارها و دستگیری ها بوده است. و این یک کارزار مشترک کارگران و معلمان بوده است که با این گفتگومان که این سرمایه داران هستند که امنیت جامعه را به خطر می اندازند و نه کارگر و معلمان که خواسته های برحق و انسانی خود را طلب میکنند، اعتراض به دستگاه قضایی حکومت را که مستقیماً در خدمت سرمایه داری حاکم قرار دارد را به گفتگمانی اجتماعی تبدیل کرده اند.

معلمان بعلاوه الگوی اعتصابات سراسری و ممکن بودن آن، و نیز متحد شدن از طریق گروههای هزاران نفره مدیای اجتماعی و سازمانیابی سراسری از این طریق را در برابر کل جامعه قرار داده اند. به این اعتبار و با چنین موقعیتی از مبارزه، فراخوان معلمان به اعتصاب سراسری برای سیزدهم مهرماه آنهم در شرایطی که برپایی اعتصابات سراسری هر روز بیشتر به گفتگمان جامعه تبدیل میشود، یک اتفاق سیاسی مهم است. از خواسته ها و مبارزات معلمان وسیعاً حمایت کنیم.

جنبش کارگری و کل جامعه است. اعتراضات و خواسته های کارگران گروه ملی فولاد اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه را باید با تمام قوا حمایت کرد. احضار و تهدید کارگران در جریان اعتراضات این کارگران باید با اعتراض وسیع پاسخ گیرد و محکوم شود و صدای اعتراض کارگران گروه ملی و نیشکر هفت تپه در سطح جامعه و جهانی باشیم.

#### فراخوان معلمان به اعتصاب سراسری

معلمان با فراخوان به اعتصاب سراسری برای روز ۱۳ مهر، روز جهانی معلم، به استقبال شروع سال تحصیلی جدید میروند. در فراخوان آنها از خواست افزایش دو برابری سطح حقوقها و رسیدن آن به رقم بالای خط فقر سخن گفته شده است. معلمان در اعتراضات قبلی خود با شعارهایی چون خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما یک میلیون، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، اگر که ما نبودیم تو اون بالا نبود، بارها و بارها کل بساط فقر، تبعیض، اختلاف فاحش طبقاتی در سطح جامعه و سرکوبگرهای سرمایه داری وحشی حاکم را به چالش کشیده اند. معلمان همچنین در مبارزاتشان نقش ارزنده ای در جلو آوردن خواسته های سراسری ای چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و لغو خصوصی سازی مدارس در جنبش کارگری و سطح جامعه داشته اند.





بلافاصله با اعلام عدم شرکت خود، خواهان تعویق این اجلاس گردید. سپس روسیه اعلام کرد که افغانستان به شرط دیدار مستقیم با نمایندگان طالبان در "حاشیه" این نشست، در آن شرکت خواهد کرد!

وارد شدن روسیه به میدان منازعات و ابتکار مذاکرات صلح نشان از ابعاد پیچیده‌تر اوضاع سیاسی در منطقه و بویژه در افغانستان دارد. بدیهی است که تقویت طالبان، تحمیل خسارات نظامی و امنیتی بیشتر بر نیروهای آمریکا و متحدین آن در افغانستان است که بعنوان نیروهای خارجی مورد حمله طالبان قرار می‌گیرند.

نباید فراموش کرد که رهبری طالبان عملاً تمایلی به صلح و آتش بس ندارد. چرا که در واقعیت، منافع سیاسی - نظامی و حتی اقتصادی طالبان با گسترش آتش جنگ، تأمین می‌شود و دست بالاتری در مقابل حکومت مرکزی پیدا می‌کند. سر بازگیری و حفظ نیرو نیز فقط در حالت جنگی میسر است. بدون تردید کنترل و استیلا بر بازار مواد مخدر بعنوان یک منبع مالی حیاتی، عملاً و بطور مستقیم به وضعیت جنگی گره خورده است. اقتصاد سیاه و تروریسم لازم و ملزوم یکدیگرند.

انتقال لشکر "فاطمیون" به مرزهای همجوار با افغانستان توسط جمهوری اسلامی ایران به بهانه مقابله با داعش در منطقه، بخش دیگری از فشار روسیه با کمک جمهوری اسلامی بر حریف است. این انتقال نیرو قطعاً باید با موافقت حکومت وحدت ملی افغانستان صورت پذیرد. از این رو سیاست تهدید و تحبیب جمهوری اسلامی با فشار بر افغانستان با اخراج گسترده پناهنجویان و یا مجوز ورود و خروج قانونی به مهاجرین روی میز قرار می‌گیرد. حکومت وحدت ملی با هماهنگی آمریکا با مسدود کردن ورود آب رودخانه هیرمند و پرداخت **حقاً** به به مقابله با این سیاست جمهوری اسلامی این می‌رود.

مجهز کردن بخش‌هایی از طالبان و آموزش نظامی و تأمین لجستیکی آنان توسط سپاه قدس دیگر موضوع چندان محرمانه‌ای محسوب نمی‌شود.

## جنگ و صلح در افغانستان

### سیامک بهاری

نازاضی مشغول معامله و بده بستن سیاسی است.

آنچه بعنوان "صلح" به مردم وعده داده می‌شود، چیزی بجز سازش و تقسیم قدرت حکومتی با طالبان نیست. بازگرداندن و سهم کردن یک نیروی فوق ارتجاعی، تروریستی اسلامی در حاکمیت سیاسی کشور، استراتژی دیرپای حکومت است. این همان روندی است که جنایتکار شناخته شده‌ای چون گلبدین حکمتیار و دستجات تروریست حزب اسلامی را به بیکره متعفن حکومتی ملحق ساخت.

از "برادر ناراضی" خواندن طالبان تا ایجاد دفتر علنی امارات اسلامی طالبان در قطر و مذاکرات پشت پرده با تأیید و تمهید مستقیم آمریکا و بازیگران منطقه‌ای تا اعلام آتش بس‌های سه روزه و سه ماهه و کنفرانس‌های صلح و غیره هیچ معنایی بجز رها کردن مردم بی‌دفاع در چنگال مثنی تروریست وحشی، ندارد. این حقیقت عریان سناریوی "صلح" جنگ سالاران است!

### ناجیان صلح یا ناجیان جنگ؟!

پیچیدگی وضعیت سیاسی و امنیتی در افغانستان و درهم تنیدگی منافع متضاد بازیگران جنگ نیابتی و تحولات پرشتاب منطقه به گونه‌ای است که سازش و رقابت را همزمان روی میز طرفین گذاشته است. سیاست استراتژیک آمریکا، مانند در منطقه پر آشوب خاورمیانه و ساختن بستری برای هژمونی طلبی و کنار زدن رقبا و تسلط بر اوضاع منطقه است.

آمریکا دوده است که عملاً سیاست کلان حکومتی را در افغانستان مدیریت و رهبری می‌کند. در استراتژی آمریکا مهار طالبان و فشار بر پاکستان بعنوان حامی و پدر مادی و معنوی طالبان یک ضرورت چند فوریتی است. پاکستان سیاست حمایت از طالبان را کنار نمی‌گذارد و در رقابت با هندوستان در جبهه آمریکا نخواهد ماند، در نتیجه عملاً در کنار روسیه و چین و جمهوری اسلامی و قطر قرار می‌گیرد. کمک هزینه چند صد میلیاردی آمریکا برای بازسازی

بیش از چهار دهه جنگ و ویرانی، دست به دست شدن قدرت سیاسی و جدالها و کشمکش بی‌پایان قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از مجاهدین و طالبان تا حکومت کنونی، حاصلی جز متلاشی شدن شیرازه جامعه، ناامنی و فساد گسترده، فقر و آوارگی برای مردم مصیبت دیده افغانستان نداشته است. در هر برهه‌ای هر کدام از باندها و مافیای سیاسی حاکم برای سرپا ماندن، مردم افغانستان را قربانی منافع سیاسی خود کرده‌اند و زخمی دیگر بر پیکر مجروح جامعه مصیبت دیده افغانستان گذاشته‌اند.

در شرایط حاضر آنچه به اصطلاح دولت وحدت ملی خوانده می‌شود سکاندار سیاست ناظر به ویرانی و تباهی جامعه است. حقیقت عیان این است که طی زمامداری چهار ساله این حکومت، نه تنها باری از مشکلات بیشمار جامعه برداشته نشده است بلکه گسترش آتش مصیبت‌بار جنگ و ناامنی، آوارگی، فقر، بیکاری، تشدید کشمکش‌های قومی، فساد، بیعدالتی و تبعیض و سرکوب بی‌وقفه جنبش‌های اعتراضی و عدالت‌خواهانه از هر زمان دیگر نهادینه تر شده است.

سهم‌خواهی و رقابت باندهای حکومتی بر سر تقسیم قدرت بیداد می‌کند. حذف فیزیکی، نقشه برای ترور رقبا، کنار زدن‌ها، خلع ید کردن‌ها و استعفاها و دوری و نزدیکی باندها بر همین محور شکل می‌گیرد، منحل می‌شود و تقسیم بندی جدید می‌یابد. آنچه بطور مطلق قربانی این دسیسه‌ها شده است، منافع مردم ستم‌دیده است.

این وضعیت، میدان را برای سر بازگیری نیروهای تروریستی بیش از هر زمان دیگر مهیا می‌کند و دست درازی و بورش به مردم بی‌دفاع را سهلتر از پیش می‌سازد.

حکومتی که نه تنها عزمی برای دفاع از مردم و خاتمه دادن به تهاجم نیروهای تروریستی ندارد، بلکه خود آشکار و نهان دست در دست برادران

از سوی دیگر چین رقیب قدرتمند دیگری است که می‌تواند با کنترل بازار و رفع نیازهای پاکستان، ایران و قطر در میانه این رقابتها نقش محوری بازی کند. چین با معضل جریانات اسلامی متحد القاعده و گسترش دامنه فعالیت داعش در آسیای میانه روبروست و در بازار اقتصاد جهانی با تعرفه‌های کمر شکن آمریکا مواجه است. بنابراین نزدیکی به بلوک روسیه در منازعات افغانستان یک فرصت سیاسی و اقتصادی استراتژیک برای چین محسوب می‌شود.

در واقع روسیه، چین، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تشابه و تفاوت در سیاست‌های منطقه‌ای خواهان آن هستند که قدرت سیاسی در افغانستان از کانال منافع آنان پیش برود و افغانستان از اتحاد و همسویی به آمریکا و ناتو دست بردارد.

### کلید صلح اینجاست!

معادلات خونین و پیچیده حکومت‌هایی که یا در پی حفظ و تقویت یک جریات اسلامی تروریستی اند و یا برای سرپا نگهداشتن یک حکومت فاسد و تبهکار و پایمال کردن منافع جامعه مشغول‌اند، نشان می‌دهد که هیچ چشم‌امیدی به هیچ دولت و حکومتی نمی‌توان بست. از دعوی احزاب جهادی بر سر کسب قدرت و سهم خواهی بیشتر تا معاملات آشکار و نهان و بند و بست‌های سیاسی، همه و همه امتحان خود را پس داده‌اند. پرونده هر کدام تیره‌تر از دیگری است. امروز برای کشتن رقیب خود نقشه می‌کشند فردا با او دست مودت می‌دهند و جبهه متحد می‌سازند. هر کدام دستشان به دهه فقره قتل عمد و غیر عمد و



## جایگاه و اهمیت شوراها در شرایط حاضر

از صفحه ۳

توده مردم در امر حاکمیت امری کارگری است. توده مردمی که به شوراها روی می آورند در واقع افق و چشم انداز طبقاتی کارگران را پذیرفته اند.

خلیل کیوان: جمهوری سوسیالیستی متکی بر شوراها است. این شوراها در حکومت سوسیالیستی چه نقش و وظایفی بعهده دارند؟

حمید تقوایی: شوراها سنگ بنای حکومت سوسیالیستی هستند.

حکومت سوسیالیستی حکومت مستقیم همه شهروندان جامعه است. در نظام سوسیالیستی شوراها هم بعنوان قانونگذار و هم مجری قوانین عمل میکنند و همه تصمیمات در همه سطوح بوسیله شوراها اتخاذ میشود. عزل و نصب مسئولین نیز مستقیماً بوسیله شوراها، هر گاه اراده کنند، صورت میگیرد.

بنابراین حکومت شورائی، بر خلاف حکومتهای پارلمانی که هر چند سال یکبار مردم را برای "انتخاب" یکی از بین چند، و معمولاً دو، حزب حاکم به پای صندوق رای میکنند و تا انتخابات بعدی به هیچکس جوابگو نیستند، ضامن دخالتگری جمعی هر روزه

## جنگ و صلح در افغانستان

از صفحه ۶

مشارکت در جنایت آلوده است. هر کدام بیشتر از دیگر قومی گزایی و مذهب تراشی را دامن می زند. یک مافیای تبهکار و به غایت خطرناک و فاسد به جان جامعه افتاده است.

تکلیف یک چیز در این میانه باید روشن شود. آن منافع میلیونها مردمی است که بیش از چهار دهه است در دام جنگهای نیابتی، تنظیمات جهادی و طالبان و شبکه حقانی و ده ها جریان وحشی تروریستی، به یغما رفته اند. از هر طرف گوشت دم توپ شده اند و تنها نصیب آنها از غوغای جنگ سالاران

همه مردم در اداره امور جامعه است. به این معنی در ساختار شورائی، حکومت مافوق مردم نفی میشود و این شکل متناسب حکومتی است که استعمار اکثریت بوسیله یک مشت اقلیت مفتخور را ملغی کرده باشد. یعنی حکومتی که بخواهد بردگی مزدی را نفی کند و به مالکیت خصوصی بر ابزار تولید خاتمه بدهد. بعبارت دیگر شورا شکل و ساختار متناسب با حکومت سوسیالیستی است.

این نکته را هم لازمست اشاره کنم که ساختمان شورائی حکومت سوسیالیستی نافی وجود و فعالیت احزاب سیاسی نیست. بر عکس آزادترین و دموکراتیک ترین شرایط را برای فعالیت احزاب مختلف و جلب نظر توده مردم به سیاستهای خود فراهم می آورد. در جمهوری سوسیالیستی احزاب و سازمانهای سیاسی باید تلاش کنند از طریق شوراها و با تاثیرگذاری بر آنها اهداف خود را به پیش ببرند. در عین حال باید توجه داشت که شورا شکل مناسبی برای عملی کردن سیاستهای احزاب دست راستی نیست. پیشبرد سیاستهای نظیر ریاضت کشی اقتصادی و برقراری بردگی مزدی و یا براه انداختن جنگ

محلی و منطقه ای و بین المللی حرمان بی پایان و جنگ و آوارگی و تبعیض و بیعدالتی بوده است.

تنها راه نجات، خود مردم ستندیده و اتحاد آنها برای خاتمه دادن به این وضعیت جهنمی است. برای خلاصی از شر این وضعیت جهنمی جامعه افغانستان نیازمند فوری یک نیروی متحد کننده است که افق آن عدالت و برابری برای جامعه باشد. ناجی، اتحاد خود مردم علیه وضعیت موجود است. این اتحاد به خودی خود خلق نمی شود. در رأس آن باید حزبی از جنس برابری و عدالت، عمیقاً انسانی و ضد تبعیض قد علم کند. در غیاب این نیروی متحد کننده وضع اگر از این بدتر نشود

و لشکرکشی به کشورهای دیگر، از طریق رای مستقیم مردم متشکلی که هر زمان اراده کنند میتوانند مسئولین را بزیر بکشند عملاً امکان پذیر نیست. سوسیالیسم خودبخود از شوراها ساطع نمیشود ولی سیاستهای کاپیتالیستی را هم با هیچ ترسند و عوامفریبی ای نمیتوان به خط مسلط در شوراها واقعی تبدیل کرد. پیشبرد سیاستهای بورژوائی از طریق "شوراها" تنها با مسخ و تحریف و فرمال کردن این ارگانها و در واقع نفی عملی آنها ممکن است. امری که در شوروی در دوره استالین اتفاق افتاد. در انقلاب ۵۷ نیز حکومت ضد انقلابی ای که به نام انقلاب بقدرت رسیده بود شوراها واقعی را در هم کوبید و برای کنترل جنبش کارگری به شوراها اسلامی متوسل شد. این نوع شوراها مسخ و تحریف شده در واقع سوءاستفاده حکومتهای بورژوائی و مافوق مردم از نام شوراهاست. در تقابل با این نوع شوراها مسخ شده است که امروز نمایندگان کارگری به درست بر شوراها واقعی کارگران و شوراها واقعی مردمی تاکید میکنند. شوراها واقعی تنها میتوانند ابزار پیاده کردن سوسیالیسم باشند.

هرگز بهتر نخواهد شد. جنبشهای برای طلبانه و عدالت خواهانه باید به بستر واقعی اعتراض کل جامعه تبدیل شوند. این امر مستلزم یک رهبری سوسیالیستی است. اگر این رهبری در اشکال اجتماعی خود را سازمان بدهد خواهد توانست اعتماد جامعه را کسب کند. جامعه زخم خورده و مجروح امیدش به این جریان سیاسی است. نسل معترض و خوش فکری که هیچ نسبت و منفعتی با جریان ارتجاعی و قومی ندارد و برای یک دنیای بهتر با هیولای بیعدالتی و نابرابری درنبردی نابرابر روبرو است. این نیرو باید سازمان داده شود تا بتواند صلح و رفاه و برابری را نصیب جامعه کند.

## مافیای ارزی حکومتی ...

از صفحه ۴

کنترل قیمت بازار ارز را در دست دارد.

آنچه این روزنامه از آن به عنوان «رانت» ۱۶۰ هزار میلیارد تومانی اسم می برد، در عالم واقع درآمدهای دولت بانک مرکزی و کل مافیای پولی و ارزی حکومت است که از طرق مختلف بازار ارز و قیمتهای آن را تعیین و مدیریت می کنند. بازار ارز یک بازار پرسود و پردرآمد برای دولت، بانک مرکزی و باندهای مافیای ارزی وابسته به نهادها و کنسرن های مالی عظیم حکومت می باشد. همه این باندها بسته به درجه نفوذ و نقشی که در سازمان مافیای ارزی حکومت دارند، سودهای هنگفتی از قبل خرید و فروش و تعیین قیمت ارزها و مهمتر از همه گران فروشی ارزهای خارجی بدست می آورند.

دخالت دولت در بازار ارز و کنترل کامل آن، فعالیت باندهای مافیای ارزی حکومت، در کنار سیاستهای دولت و بانک مرکزی، بویژه گران کردن هر روزه ارزهای خارجی، اثرات و تبعات به مراتب خطرناکی بر گذران زندگی و معیشت کارگران و مردم گذاشته است. قدرت خرید مردمان کارکن هر روز سقوط می کند. همه چیز گران و گرانتر میشود. دولت و مافیای ارزی حکومت در توجیه گرانی قیمت کالاهای اساسی مورد مصرف عموم بی شرمانه ادعا میکنند از آنجا که ارز گران شده و واردات به قیمت به روز ارزهای خارجی می باشد. در نتیجه هر روزه قیمت کالاها را افزایش میدهند. مدیریت گرانی های بازار کالاهای اساسی مورد مصرف عموم مردم در دست مافیای ارزی و بازاری حکومت و باندهایش می باشد.

اینجا نیز دولت برای غارت دستمزدهای کارگران و مردم کیسه دوخته است. در قدم اول قیمتهای دلار و ارزهای خارجی را گران می کنند و سودهای هنگفت بدست می آورند. در قدم بعدی گرانی ارزهای خارجی و دلار را روی قیمت کالاهای اساسی سرشکن می کنند که این خود افزایش هر روزه قیمت این کالاها و تحمیل فقر و فلاکت بر کرده کارگران و مردم را به دنبال

دارد. افزایش قیمتها یک نتیجه بلافصل این سیاست های ارزی و پولی دولت روحانی می باشد. در واقع دولت و باندهای حکومتی علاوه بر در آمد حاصل از افزایش مدام قیمت ارزهای خارجی، از قبل گرانفروشی و بالا بردن هر روزه قیمت کالاهای اساسی، درآمدهای نجومی دیگری نیز به جیب می زند.

دولت روحانی و اساساً کل نظام با اتخاذ این سیاستهای ویرانگر زندگی و معیشت مردم را با مخاطرات جدی روبرو کرده اند. تا مین حد اقل یک زندگی بخور و نمیر با گرانی ها موجود و افزایش هر روز قیمت کالاهای اساسی میلیونها کارگر را به زندگی در زیر چندین برابر خط فقر رسمی سوق داده است. صحبت از گرانی های میان است. ادعای بی شرمانه «جبران قدرت خرید» با پرداخت یارانه نقدی، دروغی بیش نیست. کارگران و مردم کارکن هر روز فقیر و فقیر شده، قدرت خریدشان کمتر شده، شاخص فلاکتشان به بالای ۶۰ درصد صعود کرده، سبد غذایی مردم تغییرات منفی خطرناک پیدا کرده، و... در کنار این وضعیت اسفناک تحمیل شده به مردم، ابعاد دزدی و فساد و غارت حکومت و باندهایش، سیر صعودی و نجومی به خود گرفته است. ادعای « مبارزه با فساد و اخلاکگران ارزی» که حکومت این روزها محاکمات نمایشی آن را بر پا داشته است، مضحکه ای بیش نیست. حکومت با دستگیری و محاکمه چند قاچاقچی خرده پا در صدد تقلا برای کسب «مشروعیت» برای خودش، مشروعیتی که هیچوقت از نظر مردم نداشته و ندارد، میبازد. این ها صحنه سازی برای در بردن دزدان اصلی حکومت در راس نظامشان، از بیت رهبری خامنه ای و روحانی تا باندهای دولتی، مجلسی، سپاه و بسیج و... می باشد. مردم هم این را می دانند. دزدان و مافیای ارزی در راس نظام و در قدرت و در حاشیه امن بیت رهبری می باشند. کل نظام جمهوری اسلامی، نظام دزدان، غارتگران، مافیای ارزی و قاچاقچیان و آدمکشان می باشد.

**زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه انسانی**

## شما هم کمونیست هستید!

### کاظم نیکخواه

اگر حاکمیت يك اقلیت مفتخور سرمایه دار بر جامعه را قبول ندارید و بر نمی تابدید و تلاش و آرزویستان اینست که جامعه بر اساس سود و سرمایه نچرخد و همه چیزش در اختیار خود مردم قرار گیرد، شما چه بخواهید چه نخواهید چه بدانید چه ندانید کمونیست هستید. کمونیسم يك جنبش ضد سرمایه داری و ضد جامعه طبقاتی است. چیز دیگری نیست.

میدانم که علیه کمونیسم تبلیغات زیاد شده است. اما کمونیسم یعنی انسانی کردن جامعه. یعنی قرار گرفتن اختیار و کل ثروت های جامعه در دست خود مردم. یعنی اینکه يك اقلیت بی خاصیت و مفتخور سرمایه دار بر سر جامعه حاکم نباشد. همه انسانهای شریف اگر کمونیسم را بشناسند متوجه میشوند که خودشان قلبا کمونیستند و حرف دلشان را کمونیستها میزنند.

واقعاً چه چیز بیهی تر و قابل قبول تر از اینست که جامعه انسانی باشد؟ یعنی بر اساس پاسخگویی به نیازها و خواستهای خود مردمی که جامعه را تشکیل میدهند سازمان یابد و مفتخوران و شارلاتانها به زور بر مردم حکومت نکنند؟ خیلی ها این را قبول دارند اما به آنها قبولانده شده است که عملی نیست.

به همین نمونه های برجسته ای که جلوی چشم ماست فکر کنید! برای نمونه ترامپ يك میلیارد در ضد زن و فاشیست و لپن اکنون رئیس یکی از بزرگترین کشورهای دنیاست. گوشه ای از پرونده اش هم رفته است که با چندین زن تن فروش و ستاره پورنو و امثال آنها سالها رابطه جنسی داشته و بعد موقع انتخابات از پول انتخابات به این زنان صدها هزار دلار پول پرداخت کرده که چیزی در مورد رابطه خود با جناب ترامپ نگویند. پوتین هم با تقلب و فضا سازیهای اینترنتی به او کمک کرده که پیروز شود. این فقط گوشه ای از کارنامه این جناب است که رو شده است. از

همین ذراتی که افشا شده میشود فهمید که این آدم چه موجود رذل و کثیفی است. يك نمونه دیگر از این دست برلسکونی نخست وزیر سابق ایتالیا و یکی از میلیاردرهای تعیین کننده این کشور بود. او هنوز هم در ایتالیا سیاست ها را این طرف و آن طرف میکند. کارنامه او هم بسیار کثیف و تهوع آور است و همه مردم ایتالیا از آن خبر دارند. پوتین هم قطعاً کارنامه بهتری ندارد. سران کشورهای عربستان و ایران و اردن و کشورهای اسلام زده دیگر هم که ثروتها و جنایاتشان شهره خاص و عام است و نیاز به افشاگری ندارد. يك مشت کله پوک خبیث و ضد انسان و از خود راضی که در ثروت و پول غلت میزنند، دست به هر جنایت و کثافت کاری ای میزنند و بعد در برابر دوربین ها مردم فریبی میکنند. اینها نه درایت خاصی برای اداره جامعه دارند نه اخلاقیات جالبی دارند و نه کارنامه جالبی دارند. حتی خلیلهایشان سواد و مهارت ویژه ای هم برای اداره حکومت ندارند. باور کنید ساده ترین کارگر و معلم و پرستار و زن مرد عادی جامعه شایستگی بسیار بیشتری دارد که در راس جامعه قرار گیرد تا این مفتخوران فاسد.

روی کار آمدن امثال این جانوران اتفاقی نیست. این سیستم به این نوع موجودات نیاز دارد. زیرا اساس آن بر استثمار کارگران و انباشت کردن پول و سود قرار دارد. سرمایه داری يك سیستم ضد انسانی است و تاریخ همه کشورهای سرمایه داری پر از نسل کشیها و جنایات فجیع علیه بشر است. نمونه هایی مثل قتل عام ارمنیان در ترکیه، قتل عام کمونیستها در اندونزی، قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ در ایران، کشتار فجیع چپها در دوره پینوشه، و کشتارهایی که در اواخر قرن بیست در یوگسلاوی و رواندا و جاهای دیگر صورت گرفت فقط برخی از شناخته شده ترین نمونه ها هستند. اما يك هزارم جنایات این سیستم ضد بشری را هم بیان نمیکند.

دنیا الان زیر سیطره سرمایه

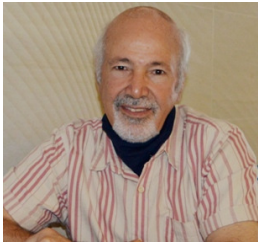
داران و مفتخوران و جنایتکاران است. میشود در مورد فجایعی که همین امروز در گوشه و کنار جهان در جریان است ساعتها سخن گفت. سوال بسادگی اینست که آیا شما مردم قبول دارید که زندگی بشر اینگونه رقم بخورد؟ آیا حاکمیت يك عده قلیل افراد مفتخور بر کل مردم را قبول دارید؟ آیا بشر در اول قرن بیست و یکم سزواران اینگونه زندگی ای است که شاهد هستید؟ فقر، جنایت، جنگ، تروریسم، دیکتاتوری و بی اختیاری و تبعیض و کل این وضعیتی که دنیا را فرا گرفته آیا اتفاقی است؟ تاریخ نشان میدهد که با هیچ اصلاحات و رفرمی نمیشود این وضعیت را از بین برد. این ها بخش جدایی ناپذیری از سیستم غیر انسانی سرمایه داری است.

تمام حرف ما کمونیستها اینست که ما این سیستم و این طبقه مفتخور حاکم و کل سنتها و قوانینش را قبول نداریم. و فکر میکنیم بشر شایسته زندگی بهتری است. و بعلاوه معتقدیم و نشان داده ایم که تغییر جهان امکان پذیر و عملی است. به همین دلیل روشن است که تلویزیونها و رسانه های حاکم مدام باید علیه کمونیستها تبلیغ و سمپاشی کنند تا مردم متوجه نشوند که کمونیسم یعنی خود انسانیت. یعنی دفاع از زندگی و رفاه و آزادی همه انسانها. یعنی عملی شدن تمام آرزوهای انسانی ای که تمام زنان و مردان و کودکان مدام در دل می پروراندند.

حتی اگر طی سالها تبلیغات علیه کمونیسم علاقه ندارید که خودرا کمونیست بخوانید مهم نیست. ولی واقعاً تلاش کنید در راه همان چیزهایی که در دل آرزو میکنید یعنی برای يك دنیای بهتر و جامعه انسانی تر عملاً گام بردارید. نگذارید به شما بقبولانند که دنیا همین است که هست. نگذارید به شما بقبولانند که فقر و شکاف عظیم طبقاتی و کل بی عدالتی ها طبیعی است و کاری نمیشود کرد. نگذارید به شما بقبولانند که تلاش برای برابری و ریشه کن کردن

تبعیضات آشکار طبقاتی يك اتوی و خیالپردازی است. قبول نکنید که سرمایه داری تا ابد باید بر دنیا حاکم باشد. تاریخ به ما میگوید که در دوره برده داری و فئودالیسم هم عیناً همین نوع تبلیغات و موعظه های "حکیمانه" در مورد طبیعی بودن و ابدی بودن این سیستم های ضد انسانی صورت میگرفت و تا زمانی که اکثریت مردم آنها را باور میکردند دنیا بر همان پاشنه میچرخید. برای قبولانند این تلقیات به مردم يك عالمه پول صرف میشود. اگر این را باور کنید راه مقابله با آن بسیار ساده میشود. وقتی که بخش قابل توجهی از مردم به این باور برسند که سیستم اجتماعی موجود نه طبیعی است، نه عادلانه است و نه ابدی و ازلی، گام اصلی برای پیشروی و دست یابی به يك جامعه انسانی برداشته شده است.

معلوم است که برای اینکه به اینجا برسیم باید کارهایی کرد. اتحاد و مبارزه و انقلاب لازم است و کمونیسم به همین دلیل جنبشی برای انقلاب کردن و مبارزه کردن و متحد شدن است. بر خلاف تمام جوامع سرمایه داری که محور آن ها سود و سرمایه است، جامعه کمونیستی جامعه ای است که توسط همه مردم و برای همه مردم تشکیل میشود. در چنین جامعه ای بیکاری، بی تامینی، فقر، سرکوب، و پلیس و زندان معنا ندارد. انسانها



دور هم جمع شده اند تا اجتماعی و برای پاسخگویی به نیازهای خود زندگی کنند و جامعه کمونیستی پاسخی به این نیاز پایه ای و اساسی انسانی است. تمام جوامع تاکنونی بجز جامعه اشتراکی اولیه، جوامعی طبقاتی هستند و يك اقلیت بر اکثریت مردم حاکم است. پلیس و زندان و دولت و ارتش برای تحت انقیاد گرفتن اکثریت مردم توسط يك اقلیت شکل گرفته است. يك جامعه انسانی به هیچکدام از اینها نیاز ندارد. مردم خود جامعه را اداره میکنند. جامعه کمونیستی چنین جامعه ای است. سوال اینست که چنین جامعه ای چگونه ایجاد میشود؟ چه کسی آنرا ایجاد میکند؟ این جامعه اگر زندان و پلیس و دولت ندارد چگونه حراست و اداره میشود؟ اداره جامعه چه شکلی دارد؟

در پاسخ به این سوالات به جایگاه طبقه کارگر، سیستم شورایی، مبارزه طبقاتی، انقلاب اجتماعی، و تحزب و امثال اینها میرسیم که امیدوارم جداگانه به آنها بپردازیم.

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**فرکانس تلویزیون کانال جدید**  
**ماهواره یاه ست**  
**فرکانس : 11766**  
**پولاریزاسیون : عمودی**  
**سیمبل ریت : 27500**  
**اف ای سی : 5/6**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی**



# یازدهمین روز اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز، تجمع اعتراضی بازنشستگان در تهران و اعتراضات سراسری کارگران راه آهن

## ادامه اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز

صبح روز ۶ شهریور کارگران گروه ملی فولاد اهواز، در یازدهمین روز اعتراضات قدرتمندشان برای پیگیری خواستههایشان در مقابل استانداری خوزستان تجمع کرده و با شعارمی ایستیم، می میریم، حقمون رو می گیریم، بر ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. سپس کارگران با مارش بزرگ خود به سمت فرمانداری و بانک ملی که هم اکنون مدیریت شرکت را بر عهده دارد، حرکت کردند. در این راهپیمایی با شکوه کارگران با شعارهای سوره را رها کن، فکری به حال ما کن، نه لبنان، نه غزه، فقط مردم ایران، ام الفساد اهواز همینجاست،

همینجاست، فرماندار بی عرضه، نمیخوایم، نمیخوایم به بساط چپاول و دزدی ها در این کارخانه اعتراض خود را اعلام کردند. ایجاد شورای مستقل کارگری یک تاکید رهبران کارگری در این اعتراضات است که مورد حمایت همه کارگران قرار گرفته است.

اعتراض کارگران گروه ملی به عدم پرداخت ۵ ماه معوقات مزدی، به تعطیلی کشیده شدن کارخانه و تهدید و احضار کارگران به دادگاه است. اعتراضات کارگران گروه ملی وسیعاً توجه مردم را در شهر اهواز به خود جلب کرده است. باید وسیعاً از خواستهها و مبارزه کارگران ملی اهواز حمایت کرد. حضور خانواده های کارگری در این حرکت بسیار ضروری است.

## تجمع بازنشستگان در خیابان پاستور مقابل دفتر روحانی

صبح روز پنجم شهریور جمعی از بازنشستگان در تهران در اعتراض به سطح نازل حقوقها در مقابل دفتر روحانی تجمع کردند. بازنشستگان قبلاً نیز در تجمعات هزاران نفره و با شعارهایی چون خطر فقر ۵ میلیون حقوق ما یک میلیون، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی و درمان رایگان اعتراض خود را به فقر، تبعیض و شکاف طبقاتی در جامعه اعلام کرده و خواستار یک زندگی انسانی شدند.

## دور جدید اعتصاب سراسری کارگران راه آهن

دور جدید اعتصاب سراسری

کارگران راه آهن با فراخوان شورای هماهنگی اعتراضات این کارگران در روز ۳ شهریور آغاز شد. در این روز نزدیک به ۶۰۰ کارگر خطوط ابنیه فنی در نواحی ریلی جلفا، هادی شهر، مرند و عجب شیر در اعتراض به سه ماه تعویق پرداخت دستمزدها و همچنین چندین سال نپرداختن حق سنوات و قراردادهای موقت کاری دست از کار کشیده و در محوطه کار خود تجمع کردند. ادامه این اعتراضات روز ۵ شهریور کارگران راه آهن شاهرود و سمنان و دامغان دلیل دریافت نکردن مزد خود دست به اعتصاب زدند. شورای هماهنگی کارگران راه آهن در بیانیه ای که قبلاً داده بود، بر هفت خواست مهم حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، حق تجمع، لغو قراردادهای

موقت و انعقاد قراردادهای دائمی، پرداخت بموقع حقوقها و حق بیمه کارگران و یکسان سازی حقوق کارگران رسمی و غیر رسمی، پرداخت به موقع حقوق کارگران در پایان هر ماه و توقف اخراجهای تاکید کرد. خواستههای کارگران راه آهن، خواستههای همه کارگران است.

روز ۶ شهریور کارگران فرسخ و نازنخ به خاطر تعویق پرداخت ۱۰ ماه مزد خود در مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

پیش بسوی تشکیل شوراها  
پیش بسوی اعتصابات سراسری  
کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ شهریور ۹۷-۲۸ اوت ۲۰۱۸

## پیش بسوی تشکیل شوراها مستقل مردمی!

خواست تشکیل شوراهای مستقل از درون مبارزات کارگری بگوش میرسد. کارگران برای دفاع از زندگی خویش، برای خلاصی از شر سرمایه داران انگل و مفتخوری که حتی حقوق توافق شده کارگر را هم در این مملکت بالا میکشند، به ضرورت تشکیل شوراهای مستقل برای نظارت و کنترل و اداره کارخانه رسیده اند. شوراهای مستقل یعنی اعمال اراده مستقیم مردم در اداره کل جامعه! شوراهای مستقل یعنی کارخانه و محله و شهر و کل جامعه بدست خود مردم اداره شود. تشکیل شوراهای مستقل یعنی جارو کردن بساط دزدان و چپاولگران حاکم. یعنی جمع کردن بساط پاسدار و پلیس و کل نیروهای مسلح و بوروکراتیک! جامعه در اساس معنایی جز مردم ندارد. مردم باید خود جامعه را اداره کنند. کل نیروهای حرفه ای مسلح و پلیسی و نظامی و بوروکراتیک با هزینه مردم و برای به بند کشیدن مردم برپا شده اند. این بساط را باید جمع کرد. انقلاب آتی ایران میتواند الگوی آزادترین و انسانی ترین و برابرتین جامعه را به مردم دنیا نشان دهد.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۱ مرداد ۱۳۹۷، ۲۲ اوت ۲۰۱۸

## تجمع مردم معترض به جان باختن عزیزانشان و آتش سوزی جنگلهای مریوان

کارمندان اداره جنگلبانی در حادثه دلخراش روز سه شنبه سوم شهریور حکومت اسلامی است.

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری

۳ شهریور ۱۳۹۷، ۲۵ اوت ۲۰۱۸

جانباختگان و مصلومین این حادثه دلخراش ابرازهمدردی میکنند و مردم شهر مریوان و شهرهای کردستان را به اعتراضات سراسری و تجمعات اعتراضی فرامیخواند.

مسبب آتش سوزی و جانباختن ۴ نفر از فعالین محیط زیست و

بخشی از جنگل های نزدیک روستاهای «سلسی» و «پیل» در شهرستان مریوان دچار آتش سوزی شدند.

این آتش سوزی که از ظهر روز شنبه در مناطق جنگلی این شهرستان شروع شد، جمعی از مردم محلی، فعالان زیست محیطی در کنار جنگلبانان برای مهار آتش سوزی تلاش کردند. منفجر شدن مهمات جنگی به جای مانده از جنگ ایران و عراق موجب آسیب وارد شدن به این افراد شده. متأسفانه چهار نفر از فعالان زیست محیطی "چپای سیر"، مریوان بنامهای شریف باجور از فعالین سرشناس مریوان، محمد پژوهی، رحمت حکیمی نیا و امید کهنه پوشی در جریان تلاش برای خاموش کردن آتش سوزی جنگل جان خود را از دست دادند و تعدادی نیز مصلوم شدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن احترام و تسلیت، به مردم مبارز شهر مریوان، خانواده



## دهمین روز اعتراضات گسترده کارگران نیشکر هفت تپه

شدن آنان، تا آخر خواهند ایستاد و در صورت ادامه این تهدیدات اعتصابات خود را به شهرستان شوش گسترش خواهند داد. کارگران هفت تپه نهادهای امنیتی را مسئول عواقب آن اعلام کرده اند.

به این ترتیب کارگران نیشکر هفت تپه متحدانه از شورای مستقل خود و نمایندگان منتخبشان به دفاع بر خاسته و بطور یکپارچه اعتراضاتشان را به جلو میبرند. کارگران نیشکر هفت تپه خواستهایشان را در ۱۲ مورد اعلام کرده اند که در راس آنها خواست پرداخت فوری سه ماه دستمزد و حق بیمه، دائمی شدن قرار دادهای موقت و متوقف شدن چپاول زمین های نیشکر هفت تپه و رفع خطر بیکاری آنان از کار قرار دارد.

حزب کمونیست کارگران از مبارزات و خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه قاطعانه حمایت کرده و همه کارگران و مردم را به حمایت از آنان فرا میخواند. حضور گسترده خانواده های کارگری در تجمعات و راهپیمایی های کارگران در پیشروی و موفقیت کارگران بسیار مهم است.

پیش بسوی تشکیل شوراهای  
پیش بسوی اعتصابات سراسری  
کارگری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ شهریور ۹۷ - ۲۷ اوت ۲۰۱۸



### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## جلسه سخنرانی یکی از سردمداران کشتار دانشگاهها در ونکوور لغو شد!

ونکووردراین اعتراض شرکت فعال داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران -  
واحد ونکوور  
هشتم شهریور ۱۳۹۷،  
سی ام اوت ۲۰۱۸



بسیاری زندانی و شکنجه شدند، هزاران استاد و دهها هزار دانشجو پاکسازی شدند. اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری همراه دیگر فعالین کمونیست و آزادیخواهان و نیروهای سیاسی چپ در

امروز هشتم شهریور ۹۷ جمعی از ایرانیان آزادیخواه و کمونیست ساکن ونکوور با اجتماع در محل سخنرانی عبدالکریم سروش، از سردمداران کشتار دانشجویان و پاکسازی دانشگاهها معروف به "انقلاب فرهنگی"، دست به اعتراض زدند. در پی این اعتراض عبدالکریم سروش در محل سخنرانی در دانشگاه سیمون فریزر حاضر نگردید و این سخنرانی لغو شد.

عبدالکریم سروش از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی بود که با اجرای آن دانشگاه های ایران برای دوسال بسته شد، تعدادی دانشجوی کمونیست و مخالف جمهوری اسلامی کشته و

## فراخوان به شرکت در آکسیون حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران روز شنبه ۱ سپتامبر، ساعت ۱۶ تا ۱۷ در مقابل پارلمان نروژ در اسلو



در چند ماه اخیر خیابانهای دهها شهر ایران، شاهد اعتراض هزاران نفر از مردم معترض بود. جوانان، دانشجویان، زنان، کارگران و مردم به خیابان آمدند تا یار دیگر به جمهوری اسلامی نه بگویند.

مبارزات قدرتمند کارگران در روزهای اخیر نه تنها طیف فقر و دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر است بلکه پیام روشن به جیولگران حکومتی است که باید گورشان را گم کنند.

رژیم اسلامی بیکار دیگر از پیام مردم جان به لب آمده طیف فقر، بیکاری و نابرابری و در دفاع از آزادی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی بوخست افتاده است. با تلاشهای واهی جنگ و دندان به مردم نشان میدهد. اما امروز مردم با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمام است ماجرا" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" پیامشان که رفتن جمهوری اسلامی میباشد را به گوش حکومت اسلامی رسانده اند.

مبارزات کارگران، زنان و مردم مستبدانه ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی شایسته بیشترین حمایتهاست. ما از همه آزادیخواهان و برابری طلبان و مخالفین حکومت جنایتکاران اسلامی میخواهیم که برای پشتیبانی و همبستگی با مبارزات مردم ایران در تجمع روز شنبه یک سپتامبر در اسلو شرکت نمایند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - نروژ •